

بینش معنوی — ۴۱

حدیثِ آرزومندی

جستارهایی در عقلانیت و معنویت

کتابخانه

فهرست

سخن آغازین ۷

I) عقلانیت

- ۱ اولویتِ فلسفه بر دموکراسی ۱۳
- ۲ فلسفه: بازنگری فهم عرفی ۴۳
- ۳ وضع نقد و پژوهش در ایران: هستها و بایدها ۶۹
- ۴ گستره و مرزهای فلسفه‌ی دین ۸۷
- ۵ ملاک حَقانیت هر دین ۹۹
- ۶ پیشفرضهای اسلامی کردن علوم ۱۱۱
- ۷ آنسلم قدیس در جست‌وجوی خدا یا اثبات وجود خدا؟ ۱۲۹
- ۸ یادداشتی بر "اعلامیه‌ی نودوپنج‌ماده‌ای لوتر" ۱۵۳

II) معنویت

- ۹ جایگاه آیریس مرداک در اخلاق‌شناسی روزگار ما ۱۶۵
- ۱۰ تخیل آری، توهم نه ۲۰۷
- ۱۱ در باب ضرورتِ نقد اخلاقی ۲۳۱
- ۱۲ مسیحیت از منظر سیمون وی ۲۴۱
- ۱۳ عقلانیت، معنویت، و روشنفکری ۲۷۷
- ۱۴ معنویت و آزادی ۲۸۹
- ۱۵ طرحواره‌ای برای بازیابی جهاننگری مولانا ۳۰۱
- ۱۶ چراغ روشن خاموشی ۳۱۷

سخن آغازین

کتابی که پیشاروی خواننده‌ی گرامی است مجموعه‌ای است فراهم آمده از شانزده مقاله که در فاصله‌ی زمانی سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ نوشته شده‌اند و، به جز دو مقاله (به شماره‌های ۶ و ۱۴)، بقیه در کتابها (مقاله‌های ۴، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵، و ۱۶) یا مجلات (مقاله‌های ۱، ۲، ۳، ۵، و ۸) یا روزنامه‌ها (مقاله‌ی ۱۳) نشر یافته‌اند و، به اعتراف خود نویسنده، نشر مجدد آنها موجبی جز دسترسپذیرتر ساختن آنها ندارد. این مقدار برای بیانِ علّتِ گردآوری این مقالات و عرضه‌ی آنها به صورت یک کتاب کفایت میکند.

و اما ماجرای اصلِ نوشتنِ یکایک مقالات، خود، داستانی دیگر است. ابن خلدون، متفکر و مورّخِ پرآوازه‌ی قرن هشتم (۸۰۸-۷۳۲)، در مقدمه‌ی معروف خود، بر آن است که فقط به یکی از این هفت هدف باید به نوشتن دست یازید و هر کس که به هدفی جز اینها دست به قلم ببرد کاری غیرضرور و نابخردانه کرده است: الف) عرضه‌ی نوآوری، یعنی اظهار مدّعا و / یا دلیلی که به ذهن هیچکس، پیش از نویسنده، خطور نکرده بوده است؛ ب) آسانسازیِ سخنی که کسی / کسانی، پیش از

نویسنده، گفته یا نوشته است / اند ولی فهم آن برای کسانی دشوار است و نویسنده، اکنون، میخواهد که، از طریق شرح و توضیح و تفسیر، فهم مطلب را برای خوانندگان تسهیل کند؛ (۳) تقریر خطایی که کسی / کسانی از پیشینیان، بویژه پیشینیان پرآوازه و نافذسخن، مرتکب شده است / اند، برای پیشگیری از به خطا درافتادن مخاطبان یا دستگیری و ارشاد مخاطبان به خطا درافتاده؛ (۴) تکمیل سخنی که ناقص مانده است و به همه‌ی جنبه‌ها و منظرها و ابعاد و جوانب موضوع آن توجه نشده است و نویسنده میخواهد بخشهای مغفول آن را نیز به اطلاع خوانندگان برساند؛ (۵) ساماندهی مطالب پریشان و پراکنده، یعنی نظام‌مندسازی^(۱) آراء و نظراتی که، هر چند هر یک از آنها فی حدّ نفسه صادق یا موجه یا معقول است، سامانه و نظم منطقی قابل فهم یا قابل قبولی ندارند و نویسنده درصدد است که، به قصد آشکار ساختن ربط و نسبت آن آراء و نظرات با یکدیگر و / یا آسان‌یاب یا آسان‌پذیرتر کردن آنها برای خوانندگان، سامانه و نظم مستور آنها را مکشوف سازد یا سامانه و نظم مفقودشان را به آنها ببخشد؛ (۶) فراهم آوردن و در کنار هم نشانیدن سخنان متکثر و متنوعی که، درباره‌ی یک موضوع واحد، در علوم و معارف گونه‌گون بشری، و از سوی عالمان و متفکران مختلف، گفته شده‌اند و، از این رهگذر، ایجاد و تأسیس حوزه‌ی معرفتی جداگانه و مستقلی که موضوع بحث و فحص اش همان موضوع مورد نظر است (پیدایش و استقلال یافتن رشته‌های علمی نوظهور، احیاناً، از همین طریق صورت می‌پذیرد)؛ و سرانجام (۷) تلخیص آثار مهم و، در عین حال، مفصل و مطول گذشتگان.

اگر بخواهم سخن خود را بر اساس این قول ابن خلدون پی بگیرم، باید صریحاً اقرار کنم که، در مقالات این مجموعه، و نیز در سایر مقالاتی که تاکنون نوشته و نشر داده‌ام، کمتر از همه (و تقریباً هیچگاه) دو هدف (۶) و (۱) را نداشته‌ام و چه بسا علم، فهم، قدرت تفکر، و تجربه‌ی خود را برای تحقق این دو کافی و وافی نمیدیده‌ام. اندکی بیش از این دو هدف، به هدف (۳) چشم داشته‌ام. باز هم بیش از آن، هدف (۴) را در مد نظر داشته‌ام. و اما آنچه بیش از همه درصددش بوده‌ام دو هدف (۵) و (۲) و (۷) بوده است. پیشگفتارهایی نیز که گهگاه بر پاره‌ای از آثار نشر یافته‌ی دیگران، اعم از تألیف و ترجمه، نوشته‌ام فقط به مقتضای همین سه هدف اخیر تحریر شده‌اند و نباید از مقوله‌ی "تقریظ" نوشتن مطالب ستایش‌آمیز و چاپلوسانه درباره‌ی تألیفات یا ترجمه‌های دیگران تلقی شوند (که نزدیک صد سالی است که در کشور ما، کمابیش، شیوع و رواج داشته است). واقعیت این است که کمتر نوشته‌ای خواننده‌ام که، پیش خود، نگفته باشم که: "اگر مواد خام این نوشته در اختیار من میبود آنها را بسیار منظمتر و بسیار آسان‌یابتر از این ارائه میکردم" و، به همین جهت، اگر وقتی فرصت و مجال این نظم‌بخشی و آسانسازی را یافته‌ام از آن رو نگردانده‌ام (مثل فرصت و مجالی که در مورد مقالات ۴، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، و ۱۵ پیش آمده است).

نویسنده، برای خود و همه‌ی هم‌نوعان خود، آرزومند شخصیت، منش، و زندگی‌ای عقلانی و معنوی است؛ و چون آنچه در مقالات این مجموعه میاید آثار و جلوه‌هایی از این آرزومندی است، بیجا نیست که این کتاب حدیث آرزومندی خواننده شود.